

تاثیر نفوذ واحیای اسلامی بر روابط استراتژیک خلیج فارس

امتیازات حرمی بلع اسرائیل نیز هست. اسرائیل از نظر قدرت نظامی بر مصر و قدرت نظامی سالیک حرمی برتری دارد و آمریکا متعهد است که این برتری اسرائیل را حفظ کند. اگر ایالات متحده به روابط تسلیحاتی خود با امتیازات حرمی ادامه نهد، در این صورت سالیک چون ایران و عربستان برای تهیه سلاح به منابع دیگر روی خواهد آورد. این امر از نظر امنیتی برای اسرائیل و از نظر سیاسی، استراتژیکی و مالی برای آمریکا گران تمام خواهد شد. یک نمونه آن خرید چنگنه های دور پرواز تورنلوه از انگلستان توسط عربستان می باشد. ممکن است این هواپیماها در نزدیکی مرز اسرائیل مستقر شده باشند، چون محصولی در کار نیست. خرید این هواپیماها، ۱۵۰ میلیون دلار باعث گردید که آمریکا از نظر اقتصادی بین ۱۲ تا ۲۰ میلیارد دلار ضرر ببیند. اگر این روش ادامه یابد ما و اسرائیل و سالیک میانه رو عرب بازنده خواهیم شد. در حالی که در تحلیل نهایی روسها برنده خواهند شد.

از سوی دیگر، طی پنج سال گذشته سوئدیاها از خر تلاش مهم دیپلماتیک، از جمله فعالیتها، سازمان ملل و کفراتس اسلامی و سالیک تلاش داشته. این فعالیتها یکی از خاسته جنگ ایران و عراق حمایت کرده اند. مقامات سعودی تلاشهای زیادی نیز جهت اعلام صلح در لبنان صورت داده اند که از نمونه هایش نقش عربستان در برقراری امنیت پس در کوه های هضبه در سپتامبر ۱۹۸۳ بود. همچنین ناظران سعودی مدیران مذاکرات بین چندجانبه در کرد در لبنان که در ژوئن صورت گرفت حضور داشتند از طرفی مقامات سعودی از اقدامات دولت لبنان منتهی در ملاکوه با اسرائیل، بر سر امنیت جنوب لبنان، حمایت نمودند. در رابطه با صلح حرمی و اسرائیل نیز تلاشهای مکررانه عربستان انجام میبهره داشته است. از جمله نتایج این تلاشها، طرح ابتکاری صلح حرمی و بسته شدن و سرانجام آن بود که در آبان ماه ۱۹۸۱ در بیابان ماس، اعراب به اتفاق آراء ششجانبی اسرائیل و با ملاکوه و آشتی با این کشور وارد می کردند. طرح صلح حرمی در ۱۹۸۱، در مصاف آن ۱۰ ماه تلاش دیپلماتیک عربستان یکپارچه گردید که اعراب حاضر به ملاکوه با اسرائیل کردند که یک نمونه اش طرح علاوه بر اینها بازگرداندن مصر به جهان عرب برای سالیک میانه رو عربی از نظر مسلیک مهم است و عربستان در این باره نقش مهمی بازی کرده است. متلا عربستان با حمایت از موضوع زای، کوهی این امکان را پیش از این دست مصر دوباره به عسرت و کفراتس اسلامی به پذیرفته شده.

احیای اسلام گرایی و نفوذ و شامل بسیار مهم در تحولات منطقه خلیج فارس در سالهای اخیر بوده است. مقاله زیر به بررسی این دو عامل در شرایط جدید منطقه ای و تاثیرات آن بر سیاست خارجی شوروی و تئیزی امنیتی این تحولات برای سیاست خارجی آمریکا می پردازد. در اینجا دیدگاه یکی از نویسندگان عرب طرفدار غرب مورد بررسی قرار می گیرد که معتقد است شوروی به دلایل اقتصادی و استراتژیکی توجه بیشتری را از گذشته معطوف منطقه خلیج فارس کرده است و تشنج در این منطقه عاملی است که آن کشور از آن بهره برداری می کند. «عاطف جواد» نویسنده مذکور، معتقد است خصلت جیش «بیباک گرایی اسلامی» نسبت به آمریکا، عکس العملی است در مقابل سیاست خارجی آن کشور در منطقه خاورمیانه و نیز به حمایت از اسرائیل و آمریکا باید با اتخاذ یک استراتژی صلح در خاور میانه و نیز در قبال جنگ عراق علیه ایران، این خصومت را است به خود به حداقل رساند و آنرا پسوی شوروی متوجه کند. این نظری است که قبلا نیز توسط دکتران از قبیل، جیمز بیلی استاد دانشگاه آستین در تگزاس و وزیر کمیونیزمسکی مشاور رئیس جمهور در امور امنیت ملی در دوران کارتر، اعلام شده است. در این مقاله صرفا حتماً اشاراتی به دیدگاههای جدید در مورد تحولات اخیر در منطقه صورت می گیرد.

حوادث و روندها در منطقه برای ما گران تمام شود، در سفر اخیر به منطقه مقامات سالیک خاورمیانه انتظار و انگیزه های آمریکا را به زیر سؤال کشیدند. مثلا عدم فروش اسلحه به ایران و به ویژه اسلحه یک جانبه روابط ۳۰ ساله تسلیحاتی با سالیک حرمی از جانب آمریکا تلقی می کردند. مخالفین صلح در منطقه با فکر این نمونه تبلیغ می کنند که شاه ایران نیز توانسته است نظامی روی آمریکا حساب بدهد از طرفی دیگر، بعضی از سالیک میانه رو عربی نظرات و عقاید تازه تری نسبت به جایگاه اسرائیل در خاورمیانه پیدا کرده اند. مثلا مصفاک خراشد بوه اگر آمریکا را این جریان بهره برداری نکند و روابط کلی ما با اعراب را حفظ نماید.

در طری این صورت نمی توانیم جز برابر تحلیلج که برای منابع ما و اعراب و اسرائیل آثار منفی بهراره اسلحه از خود مخالفتی نشانیم. یک نمونه آن مسأله فروش اسلحه به عربستان سعودی است که در صورت لزوم برای حفظ جریان آزاد نفوذ از خلیج فارس متصل به نیروی نظامی خواهد شد. لذا تقویت قدرت نظامی، دفاع عربستان به صورت عام، بازدارنده ای در می آید. زیرا ایران مجبور خواهد شد که روی حمایت آمریکا از عربستان حساب کند.

در حال حاضر ایران نظریه مهمی برای سالیک خلیج فارس (فارس) محسوب می گردد. بنابراین تلفع ما و دوستان داشت که عربستان و دیگر سالیک میانه رو عرب به اندازه کافی مجهز شوند که بتوانند با تعرض ایران مقابله کنند. از طرفی عربستان یک قدرت مهم شد کمونیستی در منطقه است که می تواند جلوی ما را بگیرد. از آنجا که در این بین جنوری با یکبار فروش اسلحه از جانب آمریکا به

دوره دهه ۱۹۴۰ به بعد آمریکا تلاشهای زیادی جهت تأمین صلح و امنیت منطقه و به ویژه امنیت اسرائیل و بهبود وضع این کشور صورت داده است. سیاستی محلی کرده ام تا علاوه بر اسرائیل با صلح عرب طرفدار غرب نیز روابط نزدیکی برقرار نمایند؛ بدین هدف که فرصت ها را در این منطقه از دست شوروی گرفته و مستمری جهان آزاد به بزرگترین لحاظ نظامی جهان را تأمین و در عین حال ضمن جلوگیری از رشد جیش های رادیکال شد فریب، بین اعراب و اسرائیل صلح و قرض نامیتم. ما تنها ابرقدرتی هستیم که مورد اعتماد اعراب و اسرائیل می باشیم و تا بحال در تسلیحات به شش برابرت نام صلح که قطع اعراب و اسرائیل و غرب بوده است میبایستی گری کرده ایم. میانگین صلح مصر و اسرائیل تحمیلی در این زمینه بوده است. حال آنکه شوروی معطوف نشانند روابط دیپلماتیک با اسرائیل و روابط محصور با سالیک عرب، نقش حاشیه ای بازی کرده است.

امنیت نظامی مطمئن تر مصر در روابط ما با اعراب و اسرائیل به حساب می آید. اسرائیل و مصر برتنه ای از این دو زمین در بافت کنندگان بزرگ کمک های امنیتی اسرائیل هستند. از طرفی روابط نزدیک نظامی ما با اعراب و اسرائیل صلح (فارس) عامل مهمی در تأمین امنیت این سالیک در برابر تهدیدات حاصله از جنگ ایران و عراق و اطمینان امراتی و نفوذ شوروی بوده است. ما هیچکس اطمینان می کنیم به اینکه طی سالهای منتهای کمک اقتصادی و نظامی به اسرائیل دادیم. اما برای ایران این امری به سه دهه گذشته، حمایت اخیر این روی متوازن ما را مورد تهدید قرار داده است. من عسلا نگران این هستم که تاثیر این

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس



بهرحال هنوز برای نیل به صلح بین اعراب و اسرائیل باید کار کرده چون راه درازی در پیش است. لذا باید مراقب باشیم طوری حرکت کنیم که شرکای مهم امنیتی ما کنار زده شوند و رابطنهای خاور میانه از آن بهره برداری نکنند.

مطالب فوق خلاصه سخنان ریچارد مورفی، مسئول بخش خاور میانه و جنوب آسیا در وزارت امور خارجه آمریکا و معاون جرج شولتز می باشد که در روز ۲۲ آوریل سال جاری در برابر کمیته فرعی امور خارجی مجلس نمایندگان ایراد کرده است. این سخنان (به نقل از میولتن وزارت خارجه آمریکا) پنجمی اشکار بخش غلظت سیاست خاور میانه ای دولت ریگان را به نمایش می گذارد اما هدف این مقاله بررسی، ابهام سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه نیست. در این نوشتار کوتاه سعی بر آن است تا اجناد پایه ها و عناصر اساسی سیاست شوروی در خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم و نقل اظهارات مورفی در ابتدای این

برخی ناظران معتقدند محرک سیاست متعلقه ای شوروی در خلیج فارس را عامل ژئوپولیتیک (مسترس به آبهای گرم) و نفارت برجریان نفت تشکیل می دهد. با این حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ عراق و ایران، این سیاست تحت تأثیر شدید دو عامل «نفت» و «اسلام» قرار گرفته است.

نوفسار، سرتیپ به دلیل استکباری پلیر کرمس مقابله ای سختی میان سیاست و دانشکده و مسکو صورت گرفته.

رویه و سیاست اتحاد جماهیر شوروی در لبال منطقه خلیج فارس در یک چهار چوب استراتژیک، تابع ملاحظات اقتصادی و امنیت ملی نیز هست.

برخی ناظران معتقدند محرک سیاست متعلقه ای شوروی در خلیج فارس را عامل ژئوپولیتیک (مسترس به آبهای گرم) و نفارت برجریان نفت تشکیل می دهد لیکن نظریه جدیدی معتقد است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آغاز جنگ عراق - ایران، این سیاست متعلقه ای تحت تأثیر شدید دو عامل «اسلام» و «نفت» قرار گرفته است.

مقاله ای را که مطالعه می کنید، نقشی این دو عامل را در سیاست متعلقه ای و علائق شوروی در خلیج فارس مورد بررسی قرار داده است. مقاله ای را که می بیند که دو عامل اقتصادی و سیاسی - اجتماعی (نفت و بیداری اسلامی) نقش بسیار مهمی در چهار چوب علائق دراز مدت شوروی در منطقه خلیج فارس

نفت و ارزش دارد که تا اندازه ای کلیش تبدیل داخلی نفت و افزایش کسری بازرگانی مداوم با غرب را جبران می کند. با احیای اسلام گرامی در خلیج فارس، که بالقوه تجدیدی برای ثبات داخلی اتحاد جماهیر شوروی به حساب می آید.

علائق و رویه مسکو در خلیج فارس به طور سنتی نه صرفاً به نیاز این کشور به نفت، که به تمایل آن به کنترل بر نفت و استفاده از آن برای تحت فشار قرار دادن غرب نسبت داده می شود. در این نظر فرس بر آن است که اتحاد جماهیر شوروی خود از لحاظ منابع انرژی غنی و صابر کننده نفت می باشد. با این همه، گرچه هر دو فرض قابل رد نیست اما تحولات دهه ۱۹۸۰، چه در شوروی و چه در خلیج فارس، توضیح کامل رفتار را صرفاً بر اساس این فاکتور استراتژیک، نامسکن می کند. زیرا ملاحظات اقتصادی و

بازی می کنند. تأکید، جدید از دیدگاه روندهای صده فیلیپاسی است. این نظریه پنجمی نیسواد در مقاله ای که در شماره تابستان ۱۹۸۶ فصلنامه «فاران پالیسی» به چاپ رسیده است، مورد بررسی و دفاع مجدانه قرار گرفته است. نویسنده آن مقاله، «عالمف» (۱) (چرا ۱۱) با طرح موضوع فوق تحت عنوان «دبلیوسی مسکن، نفت در برابر اسلحه» از نظریه خود چنین دفاع می کند.

«خلیج فارس سرفراز از نفت و مستیز، منبع فزاینده درآمد و آشوب بالقوه برای اتحاد جماهیر شوروی است. خلیج فارس متعلقه ای است که تقاضا برای اسلحه و خرید نفت - دو گالای مولد ارز قوی برای شوروی - چنگسار است و بنابراین خلیج فارس پستری داغ پتیه گرامی اسلامی، بی ثبات سازنده ترین نیرو در جهان اسلام در دهه ۱۹۸۰، می باشد. شوروی که نیاز مهمی، به جبران مستقیم یا غیر مستقیم

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط استراتژیک در خلیج فارس

بخش انرژی در شوروی از اواخر دهه ۱۹۷۰، بویژه در زمینه تولید نفت با مسایل حاد و روبرو شده است. با این همه مسکو پاسخ‌های مهمی را برای این مشکلات در خلیج فارس یافته است.

اثر بالنده احیای اسلام بر جمعیت مسلمان شوروی اکنون بندهای ظهور پیوسته است. به عطف حواد در ادامه تحلیل خود می‌افزاید: «جمعیت انرژی در شوروی در اواخر دهه ۱۹۷۰، بویژه در زمینه تولید نفت با مسایل حاد که اقتصاد این کشور را با کاهش درآمد ناشی از صدور نفت تحت فشار قرار می‌دهد روبرو شده است. با این همه مسکو پاسخ‌های مهمی را برای این مشکلات در خلیج فارس یافته است بویژه که جنگ ایران و عراق قادر فرصتهای بسیاری برای سبانه نفت با اسلحه - که در شرایط عامی برای تامین انرژی قوی شدیدا مورد نیاز است. کوشش خلیج فارس به غرب صافی می‌گردد - پدید آورده است.

اهدای می‌افزاید: «کریه از یک نظر به زمان مسکو تمام می‌شود لیکن فرصتهایی را برای بهره برداری اقتصادی فراهم‌تر شوروی قرار می‌دهد زیرا روستای محاصره کار حواد غرب، در برابر فشارهای مسلمانان منطقه به حفظ فاصله مسودی از دو ابر قدرت نیازمندند و در چنین اوضاعی تاگزیر به شوروی نزدیکتر می‌شوند و بنابر این خریه اسلحه از شوروی، از سوی روستای مزبور به عنوان وسیله‌ای برای شان دادن استقلال آنان صورت می‌گردد لذا مسکو نه تنها از نقطه نظر اقتصادی بلکه از نقطه نظر سیاسی نیز متعجب می‌گردد»

عاطف حواد در مقاله خود در توضیح منابع رفتار مسکو در خلیج فارس، اساساً یک عامل اقتصادی را مؤثر در محرک سیاست‌های حواد مدت کرملین می‌داند. به این معنا که:

شوروی، نیاز شدیدی، به انرژی فوری (خصوصاً دلار) دارد. این نیاز با فروش نفت به کشورهای ثروتمند خلیج فارس و همچنین فروش نفت به جهان غرب تأمین می‌شود. هر از این راستا، مسکو توجه مهمی به ادامه جریان نفت از خلیج فارس دارد زیرا چنین جریان، علاوه بر آنکه کاهش تولید داخلی نفت در شوروی را جبران می‌کند، و این امری است که آثار کاهنده حاد و فوری به هم پیوسته‌ای شوروی را نیز از میان می‌برد. از سوی دیگر کسری انرژی برای تسلیح مداوم اقتصاد شوروی و بهره‌ها نیز جبران می‌گردد. بنده این محفل تدوید جریان نفت از منطقه خلیج فارس، حفظ نظام اقتصادی ایران است که در صورت تضعیف آن شوروی و تأسیسات مسکو برای گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با کشورهای منطقه،

از اهداف حریجه اول سیاست خارجی شوروی در منطقه اهمیت منطقه

کشورهای حوزه خلیج فارس شامل شش کشور عضو «شورای همکاری یعنی بحرین، کوئیت، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی و کشورهای ایران و عراق می‌باشند. این منطقه از لحاظ جغیب و وسعت جغرافیایی باالشیبه منطقه است اما کماکان شرایط اقتصادی جهان به حساب می‌آید حدود ۹ میلیون تنگ نفت یعنی تقریباً دو برابر ظرفیت تولید مازاد سایر نقاط جهان روزانه از طریق نفت فرمز صادر می‌شود و کشورهای حوزه خلیج فارس گذشت ثابت شده‌ای میزان بیش از ۳۷۵ میلیارد تنگه یعنی ۶۰ درصد کل ذخایر نفت جهان را فراهم می‌کنند. این در حالی است که علیرغم کاهش اخیر قیمتهای نفت، اوضاع کنونی بازار، افزایش رقابت از سوی تولید کنندگان خارج از اوپک، و کاهش درآمد نفت کشورهای خلیج (فارس)، چند فاکتور نخبند آن که آنان و سایر کشورهای اوپک همچنان کنترل ۳۵ درصد از تولید نفت جهان را در دست دارند. این بدین ترتیبی آنان در زمینه قیمت نفت از دهه ۱۹۷۰ که کنترل ۷۵ درصد تولید نفت جهان را در دست داشتند تسلیم شده‌اند اما با این حال با رونق مجدد اقتصاد کشورهای صنعتی توأم با بهبود اقتصادی در آمریکا، تقاضای برای نفت افزایش خواهد یافت.

در حالی، می‌دانیم که کاهش شدید قیمتهای نفت می‌تواند تأثیر سبزی بر جهان یعنی داشته و آن را تشدید نماید (بویژه برای کشورهای تولید کننده مقروض نظیر شوروی، سوئد، کینگ، نیجریه و ژرودلان) یک چنین بحران گسترده‌ای نه تنها نظام سیاسی بسیاری از ملل بلکه ثبات روستای میانه رو را به مخاطره خواهد افکند بنابراین تعمیر کراسیهای صنعتی به احتمال قوی کاهش بیشتر قیمتهای نفت را حتی اگر این امر در کوتاه مدت به نفع آنان باشد به مصلحت نمی‌بینند.

بنابراین جهان اکنون سلاطه نیست و یک جیلارد ششمیندها بشکه نفت را می‌سوزاند بر اساس بودجهای موسسه روستای زمین شناختی آمریکا (USGS) با توجه به میزان فعلی تولید و مصرف نفت جهان، در آینده تولید نفت جهان بطور فزاینده‌ای در مصرف کشورهای حوزه خلیج فارس متمرکز خواهد بود و جهان تا همین نرخ مصرف فعلی تا شصت سال دیگر از نفت برخوردار خواهد بود. در گزارش موسسه مزبور این نظر نشان داده شده است که بیشتر منابع نفت شناخته شده جهان در سرزمین خلیج فارس قرار دارد و احتمالات آنست که این واقعیت را تغییر نخواهد داد بیشتر کشورهای عمده تولید کننده نفت نظیر آمریکا و شوروی و به سرعت فضا را به مصرف می‌رسانند.

رژیم های محافظه کار حواد غرب، در برابر فشار مسلمانان منطقه به حفظ فاصله مسودی از فوایز قدرت نیازمندند و بنابراین خرید اسلحه از شوروی به عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن «استقلال» صورت می‌گیرد.

در گزارش مزبور آمده است تولید کنندگان نفت در حواد میانه که بیشتر نفت از سوی خلیج فارس، قرار دارند در این دوره مستثنی هستند. نتیجه‌ای خیره به تولید در بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس متناجز از سد می‌باشد در حالی که در خارج از این منطقه این نتیجه به طور تقریبی حواد کسری از ۵۰ تا صوما در حوال و حوش ۳۰ تا ۴۰ است. در نتیجه نباید گمان برد که کشورهای حوزه خلیج فارس و عضو اوپک برای همیشه کنترل خود را بر بازار نفت از دست داده‌اند. از سوی دیگر قیمت خلیج فارس اثرات سیاسی بر دموکراسیهای غربی دارد چه متفقد این دموکراسیها به تولید نفت روزانه این منطقه متکی است. بررسی های فوق نشان می‌دهد که نفت خلیج فارس بازار کشورهای منطقه جمعیت روز افزون آنها، موجب بر آن است تا باین فاشه باقیم که منطقه خلیج فارس تا مدت های مدید همچنان یک موضوع حساس ارضی - اقتصادی و سیاسی در صحنه بین المللی خواهد بود و بازار کسری نفت (که موجب کاهش تأثیر اراده سیاسی این کشورها در حوضه بین المللی شده است) امری موقتی است. جداول ششیده این مقاله به نقل از نشریه «پاسپیک» یعنی «ریپورتر» شماره سپتامبر ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ (یعنی موازنه تقاضای ۱۹۸۲-۸۵) ارائه می‌شود. بخشی کلی اوضاع جمعیتی، اقتصادی و نظامی مجموعه خشت کشور حاشیه خلیج فارس را روشن می‌سازد. مجموعه حاصل از این جدول، نشان میدهد یک مجموعه اقتصادی قدرتمند و روبه رشد است که دقیقاً شوروی در حاشیه غربی جنوبی خود می‌تواند این مجموعه را در چهارچوب علاقه و ارتباط های فرازمت خود قرار ندهد باشد. این جدول نشان می‌دهد که مجموع تولید ناخالص داخلی خشت کشور حاشیه خلیج فارس بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار ارزش داشته و بازار نظامی آنها حداقل «صدها میلیارد دلار در سال قدرت جذب دارد و چنین مجموعه‌ای قطعاً شرایط بسیار مناسبی برای مسکو و همچنین راهسنگ اسلحه به خرجه، تکمیل می‌گردد. عطف حواد این مجموعه که در پطن در عوامل نفت و اسلحه را به همزاد دارد مناسب برای اطلاق «هزادمت شوروی پدید می‌آورد که آنها را می‌باید برسی کرد.

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس

کل منابع نفتی و مزین برانه نفتی خلیج فارس طی سال های ۱۹۷۹، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲.

کشور	مخارج دفاعی (میلیون دلار)			مخارج برانه نفتی (دلار)		
	۱۹۷۹	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۷۹	۱۹۸۱	۱۹۸۲
عراق	۲۶۳۳	۲۵۷۲	۸۱۳۷	۲۱۳	۳۳۸	۵۸۰
کویت	۹۹۲	۱۵۰۹	۱۱۳۶	۷۶۱	۱۰۸۹	۲۳۵
عمان	۷۷۹	۱۶۵۳	۱۷۱۲	۹۰۶	۱۸۳۲	۱۸۰۴
قطر	۹۸۲	۸۹۶	نامشروع	۳۰۹۷	۳۳۲۲	نامشروع
عربستان	۱۵۲۶۷	۲۲۲۵۲	۳۷۰۶۲	۱۷۹۶	۲۶۰۲	۲۳۹۶
امارات متحده عربی	۱۱۸۰	۲۲۷۰	۳۳۰	۱۷۱۲	۳۳۳۶	۳۶۰

مخارج دفاعی شوروی بر اساس برآورده منابع گوناگون (به میلیارد روبل)

سال	۱۹۷۰	۱۹۷۹	۱۹۸۱	۱۹۸۲
امار روسی منتشره از سوی شوروی	۱۷/۹۰	۱۷/۲۰	۱۷/۵۰۲	۱۷/۶۵
برآورده هیات برآورده اداره آمار وزارت دفاع انگلستان	-	۵۳۷۴۴	۷۵۵۵۹	۷۵۷۷۰
	-	-	۸۲۷۸۲	-

منبع:

PACIFIC DEFENCE REPORTER, DEC 1984/JAN 1985, P. 163

پایخ مبتنی و تا مدتی ما بدین پرسش، یک منبع عمده رفتار شوروی در رابطه با کشورهای حاشیه خلیج فارس را روشن می کند. صنعت نفت و گاز شوروی

شوروی دومین کشور عمده تولید کننده سوخت و انرژی در جهان است و علیرغم مسائل اخیر، صادر کننده خالص نفت می باشد. ذخائر انرژی شوروی گرامان است. عاقل براد در مقاله خود چنین می نویسد: «موردی ۳۳ تا ۴۰ درصد ذخائر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد و ذخائر فسیل سنگ این کشور نیز چهلگستر است و برای قرنهای این ذخائر کافی خواهد بود. تولید انرژی شوروی در سال ۱۹۸۲، ۷/۶ درصد (مقایسه با ۲/۴ درصد در سال ۱۹۸۳) افزایش داشت. با این وجود مسکو بنازگی مشکلات قابل ملاحظه ای را در زمینه انرژی تجربه می کند.

نشانه های بحران پتروشیمی در سال ۱۹۷۷ که زرخ رشد تولید انرژی شوروی به طور غیر منتظره ای کاهش یافت بروز کرد. براساس یک گزارش منتشر شده در سال ۱۹۸۲ تحت عنوان «انرژی، اقتصاد و سیاست خارجی در اتحاد جماهیر شوروی» تولید انرژی شوروی در سال ۱۹۸۰ روزانه بیست و هفت میلیون و شصت هزار بشکه معادل نفت و یک میلیون و سیصد هزار بشکه کمتر از میزان برنامه ریزی شده بود. برسد این کاهش غیر منتظره، نا اذعان ای با کاهش معادل سیصد و پنجاه هزار بشکه در مصرف پیش بینی شده انرژی به سبب رشد کندتر اقتصادی جریان شد. لیکن این تحولات، کاهش معادل نهمصد و پنجاه هزار بشکه در روز در صادرات انرژی شوروی را موجب گشت. لیکن این کمتری مقارن با افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۹-۸۰ بوده است که فی الواقع مازاد انرژی شوروی را از محل صدور نفت افزایش داد.

برخیهای رشد انرژی شوروی در اواخر دهه ۱۹۷۰ به پلین سیر نزولی داشته است و بدین گونه باید انتظار داشت که صادرات انرژی شوروی بزودی کاهش یابد. یک چنین کاهش هیوا، با سقوط اخیر قیمتهای انرژی در جهان که شوروی را در زمینه تحصیل ارز تحت فشار قرار داده است، می تواند مسائل عمده ای را برای مسکو در آینده نزدیک موجب شود. نگرانیها رشد تولید انرژی شوروی ظاهراً همانگونه که در مقاله فوق الذکر (۱۹۸۲) نشان می دهد سیر صعودی دارد با این همه میانگین نرخ سالانه تولید انرژی در خلال سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۳ در حدود نیم درصد است. میانگین نرخ سالهای ۸۲-۱۹۸۰ ثابت مانده است.

با این همه، تولید یک کانه انرژی موضوع راه به طور مسرتو نهن شکستگ، فی الواقع تنها پیروزی فعلی واقعش شوروی در پیشش است. در زمینه گاز طبیعی است. کاهش تولید نفت شوروی عامل موثرتری در کاهش رشد کل تولید انرژی شوروی در اواخر دهه ۱۹۷۰ است، با تداوم کاهش تولید نفت تنها افزایش

احیای هویت و ایمان مسلمانان شوروی موجب نمی گردد. البته ارتباط رونق بازار نفتی، در اواخر دهه ۱۹۷۰ و رشد بسیاری ایستادن، یک ارتباط ارگانیک، آنگونه که عاقلها جواد می بنماید نیست زیرا مراکز، پاکستان و فیلیپین اصولاً مقایره چهلگستر نفت ندارند. با این همه اعتماد به نفس نو پیدا در این کشورها تقریباً به همان قدرتی است که در بسیاری از کشورهای مسلمان تولید کننده نفت می توان یافت.



ارتباط شوروی با نفت منطقه

برای درگاه بهتر ارتباط سیاست خارجی و سیاست بنازگانی شوروی با منطقه خلیج فارس ابتدا باید وضعیت صنعت نفت و گاز شوروی را مورد بررسی قرار دهیم. این بررسی از آن جهت صورت می گیرد که برای این سؤال پاسخی بیابیم: آیا شوروی از لحاظ منابع انرژی خود کفایت است؟

نفت و اسلام با یکدیگر ارتباطی نزدیک، بیش از آنچه معمولاً به ذهن متبادر می گردد دارند. ارتباط نفتی شوروی پنجاه درصدی اسلام در خلیج فارس مطرح نوده نهمدی برای این کشور از جانب اسلام وجه نداشت و نیز بدون رونق بازار نفت، احیای پرزده عقاید اسلامی در منطقه خلیج فارس، - یا در سایر نقاط جهان - پس از قرنهای قنرت جهان اسلام پائینی گرفت. نفت و اسلام در زمینه های دیگر نیز با یکدیگر ارتباط می یابند. نوسازی سرخه که در کشورهای مسلمان دارای نفت به وقوع پیوسته، بافت جوامع سنتی آنان را برهم زد و نابرابریهای اقتصادی را موجب گردید. این امر بسیاری را مجبور کرد در ادارات درون گرایش استلاسی در اسلام یافتند. علاوه، درآمد نفت در زمینه بسط فعالیتها، جنبشها و سازمانهای اسلامی در سرتاسر جهان به کار گرفته شد. فی الواقع قدرتی را که نفت با خود به ارمغان آورد موجب تبدیل بنیادگرای اسلامی به یک نیروی جاری سن المالی در عقاید با کمونیسم از یک سو و فرهنگ غرب از سوی دیگر گردید. رویداد کنونی قیمت نفت موجب تغییر این واقعیتها به طور بنیادی نمی گردد. این در حالی است که ارتباط نظر مسکو نسبت آبیاری مرکزی شکل را در زمینه

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس



تولید گاز طبیعی ۹/۶ درصد در سال ۱۹۸۳، و سهم آن در کل تولید انرژی (۳۱ درصد در سال ۱۹۸۳) موجب تناوب افزایش تولید انرژی در مجموع می شود. بنابراین هرگونه کاهش در زمینه تولید گاز موجب کاهش آبی تولید و صادرات انرژی شوروی می شود و احتمال این کاهش نیز زیاد است. چه نرخ های رشد تولید گاز از حدود ۱۶ درصد طی سال های آخر دهه ۱۹۶۰، به ارقامی حدود ۸ درصد از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ کاهش یافته است.

اگر چه گاز طبیعی جانشین مفید با شکل نفت است، لکن محدودیت های حائز اهمیت نیز دارد. بیشتر منابع گاز طبیعی شوروی در مناطق دورافتاده ای با آب و هوای نامساعد، که گاز بهره برداری از آنها را بشمار می سازد، قرار دارد. حوضه های گاز طبیعی شوروی نه تنها از مشتریان اروپایی بلکه از مراکز صنعتی در داخل شوروی نیز بسیار دور است. فی الواقع حدود ۵۰ درصد از منابع انرژی شوروی از جمله نفت، ذغال سنگ، گاز طبیعی و غیره و همچنین در شرق سلسله جبال اورال و بحر خزر قرار دارد. در حالی که حدود سه چهارم صنعت شوروی، نیروگاه های برق و کارخانجات این کشور متعلق به مناطق غرب اورال است. با این همه مسائلی که تولید گاز طبیعی در شوروی با آن روبروست در این حد محدود نمی شود. بعضی از این مشکلات سابقه تاریخی دارد که از آن جمله کمبود نیروی کار و زیربنای نارساست که اقتصاد شوروی را در حیطه مجموع تحت الشعاع قرار می دهد. بعضی از مشکلات مربوط به این زمینه جنبه سیاسی و امنیتی دیگری به واردات تکنولوژی انرژی و تجهیزات که می بایست بهای آن از آن قوی یا بدون معقباتی گزیر پرداخت شود بیرونی می گردد. به علاوه در گزارش همواره مرسومه بررسی های زمین شناسی، امریکه که پیش از این نیز به آن اشاره شد خاطر نشان گردیده است که جانشین واقعی نفت، ذغال سنگ و نیروی هسته ای و نه گاز طبیعی است. تولید

بنابراین در مجموع اهمیت نفت برای اتحاد جماهیر شوروی نمایانگر فاکتورهای ویژه متعددی است. نفت چهل درصد کل تولید انرژی شوروی را تشکیل می دهد. سهم گاز طبیعی به نازکی برای جهان کاهش تولید نفت افزایش یافته است و مسکو اهدافی است برای مصرف داخلی به استفاده از گاز روی آورد و بدین ترتیب تولید سطح بالای صادرات

بنابراین در مجموع اهمیت نفت برای اتحاد جماهیر شوروی نمایانگر فاکتورهای ویژه متعددی است. نفت چهل درصد کل تولید انرژی شوروی را تشکیل می دهد. سهم گاز طبیعی به نازکی برای جهان کاهش تولید نفت افزایش یافته است و مسکو اهدافی است برای مصرف داخلی به استفاده از گاز روی آورد و بدین ترتیب تولید سطح بالای صادرات

* با توجه به میزان فعلی تولید و مصرف نفت جهان، تولید نفت در آینده بطور فزاینده ای در کشورهای حوزه خلیج فارس متمرکز خواهد بود.

۱۹۸۳ می باشد. تولید نفت خام در سال ۱۹۸۳ به اوج خود رسید و در سال ۱۹۸۳ به میزان ۱/۸ درصد کاهش یافت و به سطح روزانه یازده میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز سقوط کرد. در فواید نخست سال ۱۹۸۵ این کاهش شدت گرفت و میزان تولید به ۲/۲ درصد کند از سطح تولید ۱۹۸۳ تقلیل یافت. کاهش مطلق تولید نفت در سال ۱۹۸۳ نخستین کاهش تولید از پایان جنگ جهانی دوم بدین طرف است و تحلیلگران ناامین پیش بینی های اقتصاد سنجی و ارتزونه WEFA و موسسات دیگر پیش بینی می کنند که این روند در دهه ۱۹۹۰ ادامه خواهد یافت.

بعیده عاطف جواد «مساله مسکو آن نیست که ذخایرش آفندر کاهش می یابد که مجبور به وارد کردن انرژی با اقدام نظامی در خلیج فارس شود، برعکس صادرات انرژی منبع اصلی درآمد انرژی شوروی است. درآمدی که به نوبه خود صرف واردات کالاهایی می گردد که تولید آنها در شوروی در مقایسه با استانداردهای جهانی گرانتر تمام می شود. حتی اگر نرخ های رشد انرژی نتواند ننگد کاهش قیمت های نفت و انرژی ارتکار عمل چنانچه برای شوروی، چنانچه علاقه مند به حفظ درآمد انرژی کافی برای خود باشد، باقی نمی گذارد. بنابراین، مسکو صادرات انرژی

نفت را به غرب حفظ کند. با این همه احتمالاً جایگزینی گاز با نفت با تأخیرهای مداومی روبرو خواهد شد. چه بخش های مهم تولید به شدت بر نفت متکی هستند. این در حالی است که بیش از ۶۰ درصد درآمد انرژی شوروی در سال ۱۹۸۳ از عواید ناشی از صادرات نفت به غرب تأمین گردیده است. در واقعیت دیگر نیز نمایانگر اهمیت است که کرملین برای نفت قابل است. نخست آن که ذخایر مطلق نفت از سال ۱۹۲۷ بدین طرف جزء اسرار دولتی به حساب می آید. دیگر

ذغال سنگ شوروی در سال ۱۹۷۸ رو به افزایش و پس از آن به استفاده افزایش خلیج در سال ۱۹۸۳ رو به کاهش و گذارد و انتظار می رود طی سال ۱۹۸۶ در سطحی ثابت بماند. بخش ذغال سنگ شوروی نیز با مسائلی که صنایع انرژی شوروی را در بخش های دیگر تحت الشعاع قرار می دهد، به علاوه مشکلات خاص نیز، مواجه می باشد. حمل و نقل ذغال سنگ از حیطه گاز به مراتب گرانتر تمام می شود. به علاوه ارقام کمی تولید بازرگانی کننده کاهش کیفیت گرانمایز آن نیست. ذغال سنگ برای کاربردهای خاص نظیر تولید برق مناسب نیست و بنابراین نمی تواند منبع بسیار موثری برای استفاده از طرح گسترش شبکه برق رسانی که شوروی برای آن اولویت خاصی قائل است محسوب شود. در زمینه صنعت ذغال سنگ نیز چون صنعت نفت، نسبت های تحویل و رفتن منابع به سرعت رو به افزایش است. از سوی دیگر نیروی هسته ای - جانشین دیگری برای نفت در شوروی - در مقایسه با تجهیزات جهانی پیشرفت اندکی داشته است. نیروی هسته ای به طور فزاینده ای در حال توسعه قرار دارد لکن حتی اگر استفاده از آن رشد سریعی یابد، که این امر نیز با توجه به حادثه راکتور چرنوبیل در آوریل ۱۹۸۶ بعید به نظر می رسد. احتمال نمی رود که تولید انرژی شوروی در ده سال آتی بالا رود.

تاثیر نفت و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس

جدول (۳) - واردات نفت شوروی (هزار بشکه در روز)

سال	۱۹۸۴	سال	۱۹۸۵	
ایران	۲۴	۱۳		
عراق	۷۹	-		
عربستان	۳۵	-		

گفتیم که به عقیده عطف جواد عامل پیگیری اسلامی نیز یکی از عوامل مؤثر در محاسبات شوروی در خلیج فارس است. همین امر مارا وامی دارد تا بدین موضوع نیز نظری بیافزاییم. عطف جواد در این زمینه می نویسد:

«هدفی که از تاجیه بنیان گزایی اسلامی از سوی ایران می کرد...

کشورهای عضو اوپک طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ سکو را بر آن داشت تا صادرات نفت خود را به غرب برای کسب درآمد ارزی بیشتر افزایش دهد. در این چهار جوب کل، ارزش نفت خلیج فارس طغراً در محاسبات شوروی به تدریج نمایان می گردید.

سودهای دریافتی از داداره آمار و بررسی گزاش‌های نفتی بین المللی» وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران حاکی است که ذخایر ثابت شده نفت شوروی در سال ۱۹۸۵ نسبت به سال ۱۹۸۴ به میزان ۲ میلیارد بشکه کاهش داشته است. از سوی دیگر تولید نفت خام شوروی نیز در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته و به سطح ۱۲/۱۲۰ میلیون بشکه رسیده است. در حالیکه داخلی نفت در شوروی در همان زمان افزایش یافته است. جداول زیر با تفصیل بیشتری صالاه کسب‌ها در صنعت نفت شوروی را بررسی می کند.

جدول (۱) - کمیت‌ها در صنعت نفت شوروی

سال	۱۹۸۴	سال	۱۹۸۵
ذخایر ثابت شده	۶۳ (میلیارد بشکه)	۶۱ (میلیارد بشکه)	
تولید نفت خام	۱۲/۲۵۰ (هزار بشکه در روز)	۱۲/۱۲۰ (هزار بشکه در روز)	
مصرف داخلی نفت خام	۸/۸۹۵ (هزار بشکه در روز)	۹/۰۶۰ (هزار بشکه در روز)	
ذخایر باقیمانده	۱۲/۰۰۰ (بشکه در روز)	۱۲/۰۰۰ (بشکه در روز)	

جدول (۲) - صادرات نفت خام شوروی (از قلمبر هزار بشکه در روز)

سال	۱۹۸۴	سال	۱۹۸۵
آمریکای لاتین	۳	۲۹۵	
آزوبای جرمی	۱۶/۵۲	۱/۲۲۵	
آفریقا	برسد نیست	۵	
جنوب شرقی آسیا (و احتمالاً هندوستان)	۱۸	۵۵	
ژاپن	۱۸	۱۰	
یونان	۵۳	-	
سایر	۱/۸۸۲	۱/۶۰۵	
جمع	۳/۵۶۵	۳/۱۹۵	

و چند جنبش مسلح می گردد موجب شده است که رژیم‌های محافظه کار طرفدار غرب متوقف روابط خود را با این قدرت‌ها تغییر داده و سیاست های مستقل تری را دنبال کنند.

کشورهای محافظه کار حوزه خلیج فارس نظیر کویت، قی القصد به خرید اسلحه از شوروی علاقه مند نیستند که می توانست سلاح های پیشرفته تری را از کشورهای غربی خریداری کنند. با این همه احتمالاً اسلحه تنها گلائی است که مفاهیم سیاسی در آن متجلی است. به عبارت دیگر معامله تسلیحاتی با سکوگر به این دولت‌ها از لحاظ سیاسی در رابطه با مخالفت های اسلامی، چه در داخل و چه از ناحیه خارج، کمک می کند. این مفهوم رامن توان از این واقعیت که تقریباً به جز اسلحه شوروی هیچگونه محصول یا تولیداتی دیگر این کشور در بازار جهانی عضو شورای خلیج فارس یافت نمی شود به عیان دریافت.

احیاء اسلام گزاش
منطقه خلیج فارس پیش از فرقه دیگر جهان صحنه موفقیت احیای اسلامی بوده است. و در این منطقه است که اسلام پرسیده دینوری متفاد نطق می گوید: شوروی اسلام مرمنی و اسلام رمنی، در ایران اسلام مرمنی، اسلام متعارف است لکن در خارج از حکومت آله عظیمی این

* نرخ های رشد تولید انرژی شوروی در دهه ۱۹۷۰ سیر نزولی داشته است و باید انتظار داشت که صادرات انرژی شوروی بزودی کاهش یابد

را به غرب و جهان سوم افزایش می دهد. در سال ۱۹۸۴ مقدار صادرات انرژی شوروی به میزان ۹/۲ درصد افزایش یافت و دلیل آن افزایش صادرات نفت و گاز طبیعی این کشور بود. ذکر دو نکته در این مورد ضروری است. یکی آن که اگر چه قیمت‌های میانگین نفت خام اوپک طی نه ماه نخست سال ۱۹۸۴ فقط ۳/۵ درصد و از بشکه‌ای حدود ۲۹ دلار به بشکه‌ای ۲۸ دلار کاهش یافت، اما قیمت‌های صادرات انرژی شوروی طی همین مدت، براساس گزارش دایمن پیش بینی‌های اقتصادسنجی ارتونو تحت عنوان «تحلیل جاری اقتصادهای با برنامه ریزی متمرکز» که در نوم ژانویه ۱۹۸۵ انتشار یافت، ۵ درصد کاهش داشته است. بهوضوح پیماست که شوروی تاکنون برده است قیمت‌های کمتری را برای نفت و گاز خود مطالعه کند. بویژه همان گونه که همین ارقام نشان می دهد، این کشور مجبور بوده است سهم فروش نفت خود در بازار تک محصوله‌ای را در سال ۱۹۸۴ افزایش دهد. دلایل شوروی برای مبادرت به این اقدامات، نیاز حرم به ارز قوی به منظور جریان کسب و محصولات کشاورزی سال ۱۹۸۴ و همچنین ضرورت جریان ۲۲۲ میلیون دلار کسری موازنه بازرگانی این کشور یا غرب به سال ۱۹۸۳ بوده است.

دیگر آن که در حالی که صادرات انرژی شوروی به غرب و جهان سوم در سال ۱۹۸۴ به میزان ۹/۲ درصد افزایش یافته، صدور انرژی شوروی به اروپای شرقی طی آن سال فقط ۱/۱ درصد افزایش شان می دهد. این ارقام نمایانگر ضروری است که در برابر شوروی وجود داشته است. اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۴ ظاهراً تصمیم گرفت که صدور نفت از آن به اروپای شرقی را به میزان تقریبی ده درصد کاهش دهد. و بنابراین متحدهان شوروی تاکنون کرده‌اند که منابع دیگری برای جبران کسب و واردات نفت خود از شوروی بیابند یا برای رفع این کسب و دلار شدیداً مورد نیاز خود را در ازای نفت شوروی بپردازند.

دلیل این اقدام بالقوه معاصر، آمیز روشن است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ شوروی با نگرانی‌هایی برابر افزایش هزینه‌ها از یک طرف و سقوط نرخ‌های تولید نفت از سوی دیگر روبرو گردید. در همین حال افزایش قیمت نفت

تأثیر نفث و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس

با اینصورت همده نسبت به ثبات سرحداث جنوبی شوروی از ناحیه فعالیت‌های گروهها، بطور انفرادی یا از الهامات نشأت گرفته از یک جنبش عقیدتی یا اسلامی نیست. برعکس، اثر تهنیدزاییه اثر مشترک کلیه فعالیتها و گروههای عقیدتی از این دست و عوامل تاریخی است که می‌تواند مسائل حادی را برای کرملین به وجود آورد.

عاطف جواد در این زمینه می‌نویسد: «میسر مسکو بیشتر زاینده این واقعیت است که روح استقلال که اکنون در آسیای مرکزی نایدین پایه مشهود است. مسکن است با برنامه‌های رادیکالی بیگانه که از ایران، پاکستان و عربستان سعودی پخش می‌شود به احساسات پان اسلامی بیانجامد و ادعای منطقه مسلمان نشین شوروی را که حصصی به سرست و به افزایش هاره فریبه شوروی در فرایند فیر مسکن گروانده اسلام امروز دشوروی کیش محافظه کار و بنیادگر است که فرجهان احیایی مشابه با آنچه در خلیج فارس می‌گذرد فرارزاید اثر یداری مسلمانان برسکو، در اینده ای نزدیک، با اثرات آن در خلیج فارس نفوذات فاش دارد می‌تربد انقلابی اسلامی علیه کرملین و شورشی تجزیه طلبانه ای در جمهوریهای شوروی و دهجاده علیه مسکو مطرح نخواهد بود. اثر بسیار مستحل و آبی احیای اسلام در فراتحادیه‌های شوروی در تقاضا برای آزادی بیشتر در زمینه های منفب و ملیت و خودگردانی گسترده تر در زمینه های سیاسی و فرهنگی منطقی می‌گردد.

ما این حال نمانده باقی‌مانده دراز مدت بسیار جدی تر است. چه تجدید حیات اسلام که پورسبه آیت الله خمینی منطقی می‌گردد یا در گذشت او از بین نخواهد رفت. با تلاش مجدد برای افزایش بهای نفت و با سلطه مجدد مسلمانان بر بازار نفت، احساس قدرت آنان، و به افزایش خواهد گفارد.

سیاست های آینده

این کشور بدینال حرم داشت، چه اسلام سرحداث جنوبی شوروی صرفا جنبه سیاسی دارد تقریبا هر یک از اتباع مسلمان شوروی منقطع به وجهیت افرخته خاص خود در جنوب شوروی می‌باشد با انقلاب ایران و تعاضد شوروی به افغانستان در اواخر دهه ۱۹۷۰ روزه‌های پر اید اینده که این گروهها را از سال ۱۹۶۸ بدین طرف از بکنیگر

* کشورهای محافظه کار خلیج فارس نظیر

کویت، فی‌نفسه به خرید اسلحه از شوروی

علاقه مند نیستند، زیرا می‌توانند سلاح‌های

پیشرفته‌تری را از اروپای غربی خریداری

کنند. اما اسلحه تنها کالایی است که مفایم

سیاسی در آن منطقی است.

* مجموع تولید ناخالص

داخلی هشت کشور حاشیه

خلیج فارس بیش از ۳۰۰

میلیارد دلار در سال است و

بازار نظامی آنها در هر سال

قدرت جذب ۵۰ میلیارد

دلار را دارد.

* تنها افزایش تولید گاز طبیعی ۹/۶ درصد

در سال ۱۹۸۴ و سهم آن در کل تولید انرژی

(۲۲ درصد در سال ۱۹۸۴) موجب تلاطم افزایش

تولید انرژی شوروی در مجموع می‌شود.

بنور داشته بود، پسید آمد و می‌ثباتی سیاسی نشأت گرفته از خارج اکنون بیش از هر زمان دیگری در شوروی فوج گرفته است. فعالیت گرابی شهبه برای مثال از دریایان شوروی را صحنه مبارزه برای خود می‌یابد. در این جمهوری شوروی ۷۰ درصد جمعیت را شیعیان مسلمان تشکیل می‌دهند.

در نیرو در بسیاری از جهات از بکنیگر تغذیه می‌کنند. اسلام برهمن نیرویی فزاینده و منتشر علیه وضع موجود در منطقه خلیج (فارس) است. برای اروپاییان و این نیرو و حفظ مشروعیت خود، فوئنهاهی منطقه می‌گوشند صرفا با هدف تبلیغ حشفتگی در پروژه‌ها و فعالیت‌های اسلامی چه در داخل و چه در خارج از کشور و بکنار سخن حداقل احکام اسلامی در کشورهای خود ایستادگان را منطقی سازند.

اسلام برهمنی نیز فعالیت فوئنه‌ای دارد. به عنوان جنبش مخالف با درجات مختلف افراط گرابی و سیاسی گرابی در داخل عمل می‌کند و در این مورد یعنی گروههای بنیادگرا... مثالهای بارزی در منطقه خلیج فارس در این زمینه می‌باشند اسلام مرامس درهید دیگر صورت ۱۰۰۰ یایی شارحی را که انقلاب ایران نمایانگر است به خود می‌گیرد.

مساله مسلمانان شوروی نیز باید در این زمینه مورد بررسی قرارگیرد. اسلام به عنوان یک منفب و یک نیروی سیاسی امروزه در سرتاسر می‌ن جنبی اتحادیه‌های شوروی پویا و فعال است و با ملاحظه سه عامل مشروعه در زیر تاثیر باقیه آن دشوروی نمایان خواهد شد. این سه عامل عبارتند از: مانعیت اسلام، برشته‌های تاریخی جنبش اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی و واقعه‌های عرم شخصی شوروی.

اسلام تنها یک منعب نیست. یک طریق کامل زندگی است و یک موضوع فصیح برای اقدام سیاسی و نیز برنامه ای جامع و کامل برای نظم بخشیدن به جامعه است. رسول اکرم (ص) نه تنها یک جامعه بلکه یک مفرز حکومت کشوری با حق حاکمیت و یکد امپراطوری را بنیانی نهاد بنایران برخلاف سایر مذاهب، اسلام ایمان و سیاست دوری کرد. شکه اند ما این همه اسلام یک خونت است. هرمنی که مرزا وسعهای قومی و فرهنگی را برمی‌تورده مسلمانان سرتاسر جهان فامته را تشکیل می‌دهند که در منعب با بکنیگر منفق و یکجابه می‌باشند. در نتیجه جنبشهای اسلامی که تحت سرکوب قرارگردد شکوفا می‌شوندند ای که منضمل کردند. این جنبه های اسلام به ویژه به وضع مسلمانان شوروی مربوط می‌گردد. بر مسلمانان نظیر مومنانه حکومت می‌کنند و در سرتاسر تاریخ این امر موجب رنجش مسلمانان کرده‌اند. منعب آنان از انقلاب پشوتیک بدین طرف مودسروکوب و تجاوز قرارگرفته است. ما این همه اسلام در شوروی مرکز زمینان گرفته است. چه عویت فابیی ونیروی یکجابه کلیه مسلمانان را تشکیل می‌دهد کومیس‌نویسانه است. در نتیجه این واقعیت کمترین سهمی داشته باشد. در واقع عقده‌های کمونست شوروی که از طرفداران های مسلمان می‌باشند حتمسرا در گورستانهای متعلق به مسلمانان ویرطیق این اسلامی به خاک سپرده می‌شوند.

جمعیت مسلمانان شوروی از ۲۴ میلیون تن در سال ۱۹۶۹ به حدود پنداه میلیون تن در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است. مسلمانان شوروی پنجمین جامعه بزرگ اسلامی را پس از اندونزی، پاکستان، هند و بنگلادش تشکیل می‌دهند و این جامعه حتی بزرگتر از جامعه مسلمان مصر، ایران و ترکیه می‌باشد. آسیای مرکزی همچنین مدینه‌ین مسلمان نشین در اتحاد جماهیر شوروی است. چه ۱۷ میلیون شوروی است.

منطقه (رقم سال ۱۹۶۹) از محکمترین وحدت تاریخی و فرهنگی در بین جوامع مسلمان شوروی برخوردار است. التقدار جمعیت مسلمان شوروی پیدامندی و جسمی را برای

شکستی برای انقلاب اسلامی و در ثبات موجب زوال سبب آورد استراتژیک شوروی خواهد شد، بلکه متضمن پیروزی کشورهای محافظه کار غرب است که در نهایت توسعه ناآهسته آمریکا را در منطقه هر بی دارد از نظر استراتژیک، ایران بلا تردید با آرزوی تر از عراق است، پس چرا مسکو در حقیقت از به ارضای آن آرزو در ذاتی نادم چرا که به کرملین امکان می دهد تهدیدی را که از ناحیه اسلام متوجه شوروی است با سرگرم کردن رهبری ایران به عراق و ولسمری از گسترش احیای اسلام در ساحت شوروی، نه، نگذارد.

... بنابراین مسکو در جهت ضمنی کردن تهدید بنیادگرایان، سنی ایران و عراق را در ضمن زدن و از آن بهره برداری می کند. با این تلافی در جهت پایان دادن حال جرات متصور و هدف شوروی، تحلل آن کشور، مسلمانان در جریان ستنیزی مداوم است که نیت سیاست متنازع اقتصادی نیز برای شوروی در بر دارد که از آنجمله فروش اسلحه به دو کشور متخاصم و نیز گسترش است

که تعدد، ۱۰ تا شده است جنگ صد صد خود می رسد. همچنین تقویت و صورت رفت ایران و عراق موجب افزایش تقاضای برای نفت از سایر منابع و در نهایت امر افزایش سهم مسکو در بازار جهانی نفت خواهد شد. علاوه بر این جنگ کشورهای ش، نشتی، چون بحر خلیج فارس و عراق را به طرف بازرگانی شوروی میبلد می سازد. به نظر می رسد شوروی در نیت به چنین اهدافی با طرافت مزایای استراتژیک را در برابر فاکتورهای اقتصادی و اسلامی مترادف می سازد. جنگ ایران و عراق، نامشکو است که میگزونه این حلقه می تواند با پیگیری در سنین باشد. مسکو ادعا می کند که انقلاب ایران همانگویی یک دست آورد استراتژیک برای شوروی است. با این حال کرملین از ارائه حیات نظامی و غیر آن چه به ایران و چه به عراق مشاهده نمی کند. این مسائل و جنگ، ظاهراً موجب رویه‌های متناقضی از سوی مسکو - در دنبال کردن سیاستهای مصلحت گرایانه در مقابل شوروی - در همین ضمن زدن و بهره برداری از سنین در درون آن می گردد.

جنگ ایران و عراق بیوسخ نشان می دهد که چرا سیاستهای شوروی در منطقه نیز نتواند تنها در چهارچوب مداخلات استراتژیک یک شریع و توجیه گردد که در ادامه این مقاله آمده است.

آسان استوار کردن در متناقض مسلمان سنین شوروی مسکن است امروز یک رویا باشد لکن در دهه‌ها آینده احتمال پدیدایش آن به یقین نزدیک می گردد. اتحاد جبهه‌های شوروی شدید در یافته باشد که محضرتین جانشینان جانشینان روزبه‌های محافظه کار کمونی در جهان غرب، کمونیستها یا حتی سیاستمداران توسعه دهنده اسلامیه می باشند. این نظر شاید به معنل شد رویه شوروی در قبال این رژیم‌های وابسته و کمبک کنده فی الواقع، اتحاد جبهه‌های شوروی از دراز می گویند و روابط دیپلماتیک با کشورهای عربی خلیج فارس را چه به دلایل اقتصادی و چه به دلایل سیاسی برقرار کند لکن در کمال شکستگی باید گفت که مسکو با توجه به افزایش اسلام جبهه‌های نیست همه تلاشتان را برای نیل بدین هدف بطور یک جانبه دنبال کند، چه کشورهای عربی خلیج فارس که در برابر تهدید اسلام مدرن قرار دارند شوروی و در نیت بدین هدف برای کمبک شدن و اعزازات عربی می رسد. از اتحاد سابقا سرخسینی در ترکیب در پیوستن و توجیه ۱۹۵۸ با اتحاد جبهه‌های شوروی روابط دیپلماتیک برقرار ساخته و خریدان مسکو می که می تواند از رنگین بست آورد شوروی در این زمینه باشد که امکان نظر می رود. از روشهای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خریدان مسکو میسرین مهربان است لکن نیت‌های کامل دیپلماتیک مسکو با ریاضات همچنین شوروی را قادر می سازد از نفوذ خریدان مسلمانان جهان به سبب آن که حفاظت امکانی متیر که مهم

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط استراتژیک در خلیج فارس

منافع اقتصادی مسکو از خلیج فارس به در آمد آرزوی شوروی و مزاد

بازرگانی این کشور محدود نمی شود... در سال ۱۹۸۲ مسکو وامی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار از کشورهای عرب که سهم سهام دار عمده آن است، دریافت داشت.

در ایران و واشنگتن احتمالاً انتخابهای قطع و مضطربت سیاسی خاصی را در بر دارد و از این نظر درست ضمه به شقوقی است که پیش روی مسکو می باشد با این همه این شقوقی مسکن است آمریکا را به بررسی مجدد مواضع گروهی دیگره خود گرازی سزاد

این مشکلات با ضرورت سیاست چندجانبه ای که بتواند به چه موضوع به طور موهوب پیروانه نتواند نمود تاثر این امکانات بود گرفتن نفوذ مسکو و تلاش برای افزایش امکانات بهره برداری اقتصادی شوروی از خلیج فارس و گسترش امکانات ایجاد بی نیامی در ساحت جنوب ایران و همچنین سیاست برای نایل به صلح واقعی در خاور میانه و برقراری کرملین و برای خروج نیروهای ارتش از افغانستان جهت فشار بر فرانسه و خط مشیهای تازه ای برای ارتش اسلام به کشورهای میانه و روبرو در منطقه ایجاد نفوذ است تا آنرا با ناگزیر به توسل به دیگر منابع اسلحه را به جایی نخواهد بود در هر یک دولت ریگان برای ایفای نقش مؤثر اقتصادی شوروی می بایست بگوشد در راه نیل به فرمولی برای لیست گذاری نفت (که باید اعتراف کرد امر ضروری است) به توفیلی دست باید و نیز سیاستهای اعتباری و بازرگانی اروپا عربی و ادقیال مسکو هم انعکاس سازد

باید داند که جنگ خلیج فارس) به طور رسمی شوروی را از فرصتهای بزرگ عربی نیل به دست آورده‌ای اقتصادی، سیاسی و داخلی محروم می سازد. از تاریخ معاصر می توان درس گرفت. معاهده سال ۱۹۷۷ مصر اسرائیل به سببی که شوروی از زمینه خود ۱۹۵۰ برای گسترش نفوذ خود در خاور میانه مایل بود، به پایان بخشید با اختلاف از دست آن کاست اما اتحاد عمده در خلیج فارس موجب آزاد شدن دست ایران و تلاش‌های عراق در طرحهای تفریق طلبانه خود در منطقه خواهد شد. این طرحها است برای ملایق آمریکا معطوفه آمیزند از ادامه جنگ باشد و در این رابطه است که رویه‌های آمریکا و شوروی در برابر جنگ ظاهراً با یکدیگر تارن دارند. هیچگاه از دو طرفداری نمی خواهند این جنگ پایان پذیرد

یک سیاست چندجانبه به آمریکا امکان می دهد که در این نظرات راه نفع خلائق خود در منطقه قوه دهد و در این حال این نظرات را برای اتحاد جبهه‌های شوروی افزایش دهد. متعلقه جبهه مدعی است میزخلاف عقیده متعارف، چنین اسلامی ذاته ضلایر یکجایی نیست بنیاد اساسی که

اسلامی را به همه داره متعلق کرده کرملین امیادوار است یک چنین اقدامی به نحوی در معنل شد رویه به مسلمانان شوروی در قبال رژیم این کشور مؤثر افتد. از سوی دیگر گسترش اقتصادی خلیج فارس به درآمد آرزوی شوروی و مزاد بازرگانی این کشور محدود نمی شود سال ها گذشته کشورهای حوزه خلیج فارس اعتباراتی در اختیار اروپایی شرایی - و نه شوروی - قرار داده اند. در سال ۱۹۸۰ رویه جدید این کشورها در حال سیرت گرفت که مسکو وامی بالغ بر صد میلیون دلار از کشورهای عربی برای خرید منطقه خلیج فارس که سهام دار عمده آن گویت است دریافت داشت. بانک جهانی گزارشی برای این مطلب فرستاده که گویت در اول سهم عمده ای از تولید و صادرات این وام را خارج کرد و چند بانک دیگر گویت در پرداخت این وام را تضمین گوازی مشطوعات این کشور در ژوئن ۱۹۸۲ قرار دادند. مشارکت داشته اند مبلغ این وام حدود چندان شکفت نیست با این همه باب مداخلات اقتصادی بیشتر شوروی را در منطقه خلیج فارس می کشاید. مداخلات بازرگانی شوروی با خریدان مسکو نیز که موهوبی به شدت ضد کمونیستی دارد رویه افزایش است. بر اساس گزارشات نشریه «میل ایست انکائیگیک» (امید) به نظر می رسد خریدان مسکو در سال ۱۹۸۲ برای نخستین بار به صورت طرفه بازرگانی مسکو درآمد است. این امر موجب گرایش دوم ژانویه ۱۹۸۵ موسسه دوله مداخلات نفت خریدان مسکو به اتحاد جبهه‌های شوروی در سال ۱۹۸۲ پیش از آن فرصت نسبت به رقم مشابه آن در سال ۱۹۸۲ افزایش داشته است. نشریه «میل ایست انکائیگیک» دیابسته می نویسد با این حال گمان می رود که صادرات نفت خریدان به شوروی درازا، بخشی از بهای سنجیداری که خریدان به نمایندگی از سوی عراق از شوروی خریداری کرده است صورت گرفته باشد. فی الواقع، ارتباط نفت واسطه بر روابط شوروی و کشورهای حوزه خلیج فارس مسترلی است.



عاطفه جواد در پایان مقاله خود، پس از بررسی سیاست منطقه ای شوروی در خلیج فارس، بیندعمی را به ستولان سیاست خارجی آمریکا ارائه می دهد. این پنجاه نمودار آن است که سیاست منطقه ای آمریکا در خلیج فارس را به توجه به منابع رفتار شوروی، اصولا عقیده بوده معطوفه عقیده خواهد ماند و می تویند های جدیدی دارد که چنین است. **مواضع** توسعه خلیج فارس در شوروی رویه چه خلیج فارس شرفی را به پیچیدگی آنچه مسکو با رویه روسیه رویاروی واشنگتن نیز قرار می دهد. شقوقی موهوب

تأثیر نفت و احیای اسلام بر روابط

استراتژیک در خلیج فارس

✱ گمان می رود افزایش صادرات نفت عربستان به شوروی در ازاء بخشی از بهای تسلیحاتی که عربستان به نمایندگی از عراق از شوروی خریداری کرده است صورت گرفته باشد.

جنبه سیاسی این جنبش بر آن استوار است با شعار «نه شرقی، نه غربی» مشخص می شود و خصوصیت این جنبش در مقابل آمریکا بیشتر پاسخی است به سیاست خارجی آمریکا در منطقه تا همکاری با شوروی، فرهنگی با خصوصیت تاریخی، فی الواقع حمایت آمریکا از اسرائیل (یک کشور روسی بهبود) و حمایت از دولت مارونی مسیحی حاکم لبنان را، اکثریت یا اقلیتیهای مسلمان تقدیس فحشی آمریکا از نظر به حکومتهای منحس تلقی می کند و این حامدینا علاوه سایر سیاستهای آمریکا در منطقه موجب سرسختی و باپردی بیشتر مسلمانان در راه ایجاد حکومتهای اسلامی خاص خود می شوده بحدقه عاقله جواد در خطه اسرائیل به عنوان یک هدف استراتژیک و بارور ساختن یک جنبش اسلامی برای سطح هلاقت امنیتی آمریکا از طریق سد کردن نفوذ شوروی مانع التبع نیست و نباید باشد این که زمان برای اقدام به پرورد ساختن چنین جنبشی دور شده است، معلوم نیست، مانع همه اساله مهمت این است که آیا آمریکا می تواند عناصری در سیاست خارجی خود را که مورد تکلیف جنبش اسلامی است و در نهایت به نفع علاقت آمریکا نیست نظیر سکوت و آشنگری، عدم در مساله ست الفلسف و سیاست اسرائیل در برابر تغییر بعد باستان...

تقریب نویسی:

بروجه نظاص:

(۸۲ - ۱۹۵۳) = ۲۱/۸۵۲ میلیارد دلار
(۸۵ - ۱۹۸۲) = ۲۲/۳۲۱ میلیارد دلار

۱/۷ = ۱۹۸۲
۱/۸ = ۱۹۸۳

لا رشد تولید ناخالص داخلی

۱/۰ = ۸۲
۰/۱ = ۸۳

لا نوم

نیروی زمینی ۲۵۰/۰۰۰ نفر

نیروی دریایی ۲/۵۰۰ نفر

نیروی هوایی ۱۶/۰۰۰ نفر

نیروی شبه نظامی ۲۵۰/۰۰۰ نفر

پستل خارجی ۱۶/۰۰۰ نفر

گارد مرزی و ساحلی ۸/۵۰۰ نفر

(۱) «عاطف جواد طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ برای بنگاه سخن پر اکتس انگلیسی کار می کرد و از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۳ برای سازمان الملاحات آمریکا مقاله می نوشت. وی از جمله دبیران روزنامه گروه استراتژی مائترقی الاوسطه است که در گفتو انتشار می یابد.

مشخصات مقاله در مأخذ اصلی به شرح زیر است
Gawad, Atef a., Moscow Arms - For all Diplomacy, Foreign Policy, NO. 63, Summer 1988

شماستم

جنول (۸) ایران

صعبت ۲۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر

دوره خدمت و اولیه ۲۳ ماه

تعداد کل نیروهای مسلح ۱۲۵/۰۰۰ نفر

تولید ناخالص داخلی

۱۹۸۲ = ۱۰۶/۶۶۳ میلیارد دلار

۱۹۸۱ = ۱۲/۸۸۸ میلیارد دلار

لا رشد تولید ناخالص داخلی

۱۹۸۲ = ۵/۶

۱۹۸۳ = ۵

۱۹۸۲ = ۱۲

۱۹۸۳ = ۲۰

لا نوم

نیروی زمینی ۲۵۰/۰۰۰ نفر

پاسداران ۳۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر

نیروی دریایی ۲۰/۰۰۰ نفر

نیروی هوایی ۲۵۰/۰۰۰ نفر

جنول (۲) عربستان سعودی

صعبت ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر

تعداد کل نیروهای مسلح ۵۷/۵۰۰ نفر

تولید ناخالص داخلی

۱۹۸۲ = ۱۵۲/۰۹۹ میلیارد دلار

۱۹۸۳ = ۱۱۹/۶۶۹ میلیارد دلار

جنول (۳) عراق

صعبت ۱۲/۹۰۰/۰۰۰ نفر

دوره خدمت و اولیه ۲۱ تا ۲۲ ماه (قابل تسدی برای دوره جنگ)

تعداد کل نیروهای مسلح ۶۲۲/۵۰۰ نفر

تولید ناخالص داخلی (تقریباً)

۱۹۸۱ = ۳۹/۸۳۲ میلیارد دلار

۱۹۸۲ = ۳۲/۶۰۰ میلیارد دلار

خطارج روسی داخلی (تقریباً)

۱۹۸۲ = ۸/۰۲۲ میلیارد دلار

۱۹۸۳ = ۱۶/۲۱۶ میلیارد دلار

لا رشد تولید ناخالص داخلی

۱۹۸۲ = ۵

۱۹۸۳ = ۷/۲

۱۹۸۲ = ۱۶

۱۹۸۳ = ۱۶

کسک نظاص خارجی

۲۵ تا ۳۵ میلیارد دلار (۸۳ - ۱۹۴۱)

بعضی نظاص فرانسوا

۶/۲ میلیارد دلار

نیروی زمینی ۳۰۰/۰۰۰ نفر

نیروی دریایی ۲/۵۰۰ نفر

نیروی هوایی ۲۸۰/۰۰۰ نفر (شامل به هزار نفر پستل خارجی) نیروی شبه نظامی شامل گارد مرزی ۸۰۰۰ نفر و ارتش خلقی ۶۵۰/۰۰۰ نفر و ۱۰/۰۰۰ نفر از کشورهای عربی

استراتژیکی لیت گذاری نفت زمینه دیگری است که واکنشگران بالانفذهای دشوار و محافظان اقتصادی و پائین نجه فرمولی برای گیسب گذاری نفت ضروری است. آمریکا کنندگان خیراویک، بویژه انگلیس و نروژ از یک سو و کشورهای تولید کننده عضو اوپک به نمایندگی عربستان سعودی، از سوی دیگر ایفا کنند کیهنهای نفت می باشند برای تحت فشار قرار دادن شوروی از لحاظ اقتصادی و پائین نجه داشتن نرخ تورم در غرب پائین نجه داشته شود لکن نه چندان پائین که به زبان سیمسم بانکی بین المللی و ثبات کشورهای چون فرانسه، آلمان، سوئیس، نروژ و ژاپن و ژنوتولا تمام شوده

بعبیده عاقله جواد پی برده به اهمیت فرایند نفت و اسلام به عنوان عوامل شکل دهنده علاقت شوروی در خلیج فارس طی دهه ۱۹۸۰، نخستین گام در راه تدوین استراتژی تازه آمریکا در منطقه خواهد بود.

بیشتر کارشناسان غربی مدتها اظهار عقیده کرده اند که سیاست خارجی شوروی از ملاحظات اقتصادی و داخلی بدور است لیکن استدلالات عاقله جواد پیرامون رویه مسکدر در خلیج فارس و فعالیت های اقتصادی مسکدر در سطح بین المللی، اعتبار چنین نظریاتی را دست می کند و نقل و وسوس نظرات محافظ جواد بدان جهت مسورت گرفت که در نظرگیری فاکتورهای جدید منطقه شده در مذاکت رفتار منطقه ای شوروی در خلیج فارس، از دیدگاه سیاست خارجی ایران قطعاً امنیتی حیاتی دارد.

جدول (۴) - امارات متحده عربی

صنعت = ۱,۳۰۰/۰۰۰ نفر	فورد خدمت وظیفه = داروظیفه
تعداد کل نیروهای مسلح = ۳۷/۰۰۰ نفر	تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۲ - ۳۳/۱۸۸ میلیارد دلار
بودجه نظامی = ۱۹۸۳ - ۲/۴۲۲ میلیارد دلار	بودجه نظامی = ۱۹۸۲ - ۱/۶۶۴ میلیارد دلار
٪ رشد تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۳ - ۵۰	٪ تورم = ۱۹۸۲ - ۰۰
نیروی زمینی = ۳۰۰۰ نفر	نیروی دریایی = ۱/۵۰۰ نفر
نیروی هوایی = ۱/۵۰۰ نفر	

جدول (۵) - عمان

صنعت (تقریباً) = ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر	فورد خدمت وظیفه = داروظیفه
تعداد کل نیروهای مسلح = ۳۱/۵۰۰ نفر (شامل ۳۳۰۰ پرسنل خارجی)	تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۱ - ۳۱۹/۰۰۰ میلیارد دلار
بودجه نظامی = ۱۹۸۳ - ۱/۳۷۲ میلیارد دلار	بودجه نظامی = ۱۹۸۲ - ۱/۶۶۰ میلیارد دلار
٪ رشد تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۲ - ۲/۸	٪ تورم = ۱۹۸۳ - ۰
نیروی زمینی = ۱۹۶/۵۰۰ نفر	نیروی دریایی = ۲/۰۰۰ نفر
نیروی هوایی = ۳/۰۰۰ نفر	

فرهنگ خارجی = ۰۰۰ میلیون دلار (۱۹۸۲)

تأثیر نفت و احیای اسلام

بر روابط استراتژیک

در خلیج فارس

* بیش از ۶۰ درصد

درآمد ارزی شوروی در

سال ۱۹۸۴ از عواید ناشی

از صادرات نفت به غرب

تامین گردیده است.

جدول (۸) - بحرین

صنعت = تقریباً ۲۰۰۰/۰۰۰ نفر	فورد خدمت وظیفه = داروظیفه
تعداد کل نیروهای مسلح = ۲/۰۰۰ نفر	تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۱ - ۶/۵۱۶ میلیارد دلار
بودجه نظامی = ۱۹۸۲ - ۲۳۲/۳۰۰ میلیون دلار	بودجه نظامی = ۱۹۸۳ - ۲۵۳/۱۹۱ میلیون دلار
٪ رشد تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۳ - ۶/۷	٪ تورم = ۱۹۸۲ - ۸/۹۰
فرهنگ خارجی = ۱۰۰ میلیون دلار (۱۹۸۱)	نیروی زمینی = ۲/۳۰۰ نفر
	نیروی دریایی = ۳۰۰ نفر
	نیروی هوایی = ۲۰۰ نفر
	نیروی شبه نظامی (آگرد - سطر) = ۱۹۰۰ نفر و پلیس = ۲۵۰۰ نفر

جدول (۷) قطر

صنعت = ۳۷۷/۰۰۰ نفر	فورد خدمت وظیفه = داروظیفه
تعداد کل نیروهای مسلح = ۶/۰۰۰ نفر	تولید ناخالص داخلی (تقریباً) = ۱۹۸۱ - ۶/۸۳۹ میلیارد دلار
بودجه نظامی (تقریباً) = ۱۹۸۲ - ۸۸۶ میلیون دلار	بودجه نظامی (تقریباً) = ۱۹۸۳ - ۱۶۵/۹۸۸ میلیون دلار
٪ رشد تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۳ - ۹/۴	٪ تورم = ۱۹۸۲ - ۱۶
فرهنگ خارجی = ۱۱/۵۰۰ میلیارد دلار (۱۹۸۱)	نیروی زمینی = ۵/۰۰۰ نفر
	نیروی دریایی = ۷۰۰ نفر
	نیروی هوایی = ۳۰۰ نفر

جدول (۶) - کویت

صنعت = ۱/۷۵۰/۰۰۰ نفر	فورد خدمت وظیفه = ۱۸ مأمور
تعداد کل نیروهای مسلح = ۱۲/۵۰۰ نفر	تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۲ - ۱۹/۸۰۳ میلیارد دلار
بودجه نظامی (تقریباً) = ۱۹۸۲ - ۱/۱۳۷ میلیارد دلار	بودجه نظامی (تقریباً) = ۱۹۸۳ - ۱/۳۶۰ میلیارد دلار
٪ رشد تولید ناخالص داخلی = ۱۹۸۲ - ۷/۶	٪ تورم = ۱۹۸۳ - ۶/۷
نیروی زمینی = ۳۰۰۰ نفر	نیروی دریایی = ۰ نفر
نیروی هوایی = ۰ نفر	